تاج الشعراء شهاب اصفهانی

اوحدی (یکتا)، مجید

در شمارهء دهم مجلهء مفید وحید ذیل شعرای گمنام شرح مختصری بقلم‏ شاعر فاضل و گویندهء توانه آقای ذکائی بیضائی مدظله العالی مرقوم‏ رفته بود که با شوقی تمام خواندم و از اینکه حضرت معظم له شهاب را در ردیف شعرای گمنام قلمداد فرموده‏اند متعجب شدم.گرچه مرحوم رضا قلیخان‏ هدایت در مجمع الفصحاء و میرزا طاهر شعری(دیباچه نگار)در گنح شایگان‏ بتفصیل دربارهء صاحب ترجمه سخن رانده و قصایدی چند از آثار او را درج‏ نموده‏اند اما برای سهولت مراجعه خوانندگان تلخیصی از نوشته‏های آنان‏ را با عرض معذرت از جناب آقای بیضائی درین جا نقل میکنم.علاوه برآنچه‏ هدایت و دیباچه نگار ساخته و پرداخته‏اند شخصا اطلاعات دیگری از خاندان‏ او بویژه فرزندش مرحوم میرزا اسمعیل خان ثاقب کسب نموده‏ام که ذیلا بعرض‏ میرسد:

میرزا نصر الله شهاب اصفهانی یکی از مشاهیر سخن‏سرایان ایران‏ در دوران قاجار بوده که پدرانش همه اهل فضل و اکثر بشغل قضاوت لشکر اشتغال داشته‏اند.پس از طی مدارج در علوم متداول زمان بهمراهی یکی از اعمام خود که او نیز صاحب کمالات بوده بسال 1254 روی بتهران آورد و با اینکه در سنین شباب بود بواسطه علو مقام در فنون ادب و قوت طبع که‏ در سخن منظوم داشت ابتدا در دستگاه حاج میرزا آغاسی و سپس بدربار محمدشاه راه یافت-پادشاه قاجار مقدم او را گرامی شمرده و قریب‏ یکهزار تومان مرسوم برای وی مقرر داشت پس از چندی او را بلقب تاج-الشعرائی مفتخر نمود-چون نوبت سلطنت بناصر الدین شاه رسید میرزا- تقی‏خان امیر کبیر صدارت وقت مستمری ویرا امضاء کرد و او را بگفتن‏ مرثیت در مصیبت خامس آل عبا مأمور فرمود که در مجالس تعزیت خوانی‏ بکار رود او نیز چنین کرد و در حضرت صدارت عظمی محلی منیع و مقامی‏ رفیع یافت.

تاج الشعراء در انواع شعر خاصه قصیده استاد مسلم زمان خویش بود و قصاید او غالبا از صد بیت تجاوز میکرد و گاهی به دویست بیت نیز میرسید -از اغلب شعرای دربار برتبت مقدم بود و مخصوصا در طرز اداء شعر و پروراندن سخن بی‏نظیر مینمود-دیوانش بالغ بر شصت‏هزار بیت و من‏ نسخه آنرا در منزل فرزندش مرحوم میرزا اسمعیل‏خان متخلص به ثاقب دیدم‏ که بخط نستعلیق ریز بسیار خویش نوشته شده بود-جای تألیف است که با وجود تمکن و علیرغم اصرار و ابرامی که دوستان و آشنایان داشتند مرحوم‏ ثاقب بطبع کتاب شهاب حاضر نشد و بعد از فوتش هم اطلاعی ندارم که آیا دیوان در خاندان او موجود است یا نه.

تاج الشعراء در نهم شهر ذی حجه 1291 هجری قمری بسرای جاوید شتافت-جیحون شاعر نامی یزد تاریخ وفاتش را اینطور سروده است:

تاج الشعراء شهاب خیر الوصفه‏ در تاسع شهر حج فرو بست شفه‏ جیحون پی تاریخ گذشت از سر و گفت‏ لبیک زنان رفت بیوم العرفه

1291 3-1294

از مرحوم شهاب دو فرزند پسر می‏شناسم بنام میرزا حسن‏خان و میرزا- اسمعیل‏خان.میرزا حسن‏خان بجز شعر از کمالات پدر بی‏بهره نبود خط شکسته و نستعلیق ریز را بسیار خوش می‏نوشت-دیوان پدرش شهاب بخط او که در منزل برادرش میرزا اسمعیل‏خان مشاهده کردم-همچنین کتابی بنام‏ اندرزنامهء قابوس نزد این جانب موجود است که بخط شکسته خوش نوشته و بدینگونه رقم نموده:»...و انا عبد الذلیل میرزا حسن ابن مرحمت‏پناه‏ تاج اشعراء غفرله»تاریخ کتابت جمعه نهم شهر شعبان 1295 هجری فرزند دیگرش میرزا اسمعیل‏خان متخلص به ثاقب است که نویسنده کرارا محضر او را چه در انجمن ادبی و چه در خانه مسکونی درک نموده‏ام او نیز دیوان شعری داشت حاوی قصیده و دیگر انواع شعر و از 20 هزار بیت تجاوز میکرد-ثاقب مردی متواضع خوش‏محضر و شیرین‏کلام بود او هشتاد و نه‏ سال عمر کرد و در سال 1320 خورشیدی بلاعقب بسرای باقی رفت.

دربارهء اشعار تاج الشعراء خوانندگان عزیز را به گنج شایگان‏ تألیف دیباچه نگار(میرزا طاهر شعری)و جلد دوم مجمع الفصحاء احاله‏ میدهم و ابیاتی چند از فرزندش ثاقب که دیوان او بچاپ نرسیده ذیلا نقل‏ کرده بنوشته خویش پایان می‏بخشم:

ما را بجز از عشق تو پرداختنی نیست‏ مهر رخت ایمه ز دل انداختنی نیست‏ با جلوهء بالای تو سرو چمنی را سر از در دعوی دگر افراختنی نیست‏ از هجر رخ روشن و زلف سیه تو شام از سحر ثاقب بشناختنی نیست

و نیز

این عاشقان که تن ببلا پروریده‏اند از آب و خاک مهر و وفا آفریده‏اند یکباره دین و دل چو بسودای عشق دوست‏ بفروختند هردو جهان را خریده‏اند بی‏پرده دیده‏اند پس پرده هرچه هست‏ تا پردهء علابق هستی دریده‏اند

قطعه‏ای شیوا از آقای یکتا در رثاء«رهی»بدفتر مجله رسیده‏ که در شمارهء بعد چاپ خواهد شد.